

رثاء فاطمه معصومه (س) در شعر عربی^۱

اعظم یعقوبی^۱، صادق ابراهیمی کاوری^۲

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی آبادان، خوزستان، ایران

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی آبادان، خوزستان، ایران

چکیده:

حضرت فاطمه معصومه (س) دخت هفتمین پیشوای آسمان ولایت و امامت نگین شهر قم است. وی که امام صادق (ع) سالها قبل از میلادش، بشارت تولدش را داده اند، با قدم خود شهر مقدس قم را آبرو و اعتبار بخشیدند و دریای علم را در این شهر جاری ساختند. وی خزانه علم، تقوا و عصمت بودند و آنقدر مورد کرامت خاندان عصمت بودند که پدر بزرگ، مبشر میلادش و پدر عطا کننده مدال پر افتخار "فداها ابوها" و برادر اهدا کننده زیارت ماثوره به وی شدند. متون عربی به خصوص نظم در دوران های ادبی گذشته گویای تهی بودن ادبیات عربی از توصیف نورانی این شخصیت است. با توجه به اینکه ادبیات فارسی در ستایش و توصیف این بانوی کریمه غنی است، شاید دلیل اندک بودن اشعار عربی را میتوان این نکته را دریافت که وجود مرقد مطهر کریمه اهل بیت (ع) در ایران باعث غفلت ادبای عربی نسبت به این شفیعه محشر شده است. لذا میتوان گفت: یکی از عوامل موثر در شناسایی شخصیت ها و عنایت ادبیات به ایشان محیطی است که وی در آنجا حضور دارد. به عبارت دیگر شخصیت ها هر کجا باشند ادبیات زبان آن مکان نسبت به سایر زبان ها میباشد و توصیف کننده ی ایشان خواهد بود. خوشبختانه در اشعار عربی معاصر به این موضوع بیشتر توجه شده است و اشعار متنوعی هر چند محدود در توصیف، مدح و رثای آن حضرت سروده شده است. البته تعداد این سروده ها در مقایسه با سروده های فارسی قابل مقایسه نیست. در این مقاله موضوع رثاء آن حضرت در برخی سروده ها بررسی و تحلیل شده است.

واژه‌های کلیدی: حضرت معصومه (س)، شعر عربی، رثاء

^۱ داوری و گزینش توسط کنگره بین المللی زبان و ادبیات مشهد

۱- مقدمه

مقدمه: حضرت معصومه (س) تنها امام زاده واجب‌التعظیمی است که مورد عنایت خاص معصومین قرار گرفته است. دارای زیارت مأثوره است و وارث علم و عصمت و شفاعت خاندان مکرمش. همچون مادرش حضرت زهرا(ع) متحمل مصائب بود و چون عمه اش حضرت زینب (س) سالار کاروان. با این تفاوت که حضرت زینب سالار کاروانی بود که با برادر وداع کرده بود و در فراقش میسوخت و حضرت معصومه سالار کاروانی بود که به شوق دیدار برادر را در سر داشت و آتش اشتیاق دیدار وجودش را فرا گرفته بود. اما شعله کینه دشمنان اهل اهل بیت (ع) از آتش اشتیاق شدیدتر بود و همچون گرگی کاروان را در یو و همراهان را از همراهی سالار کاروان بازداشت. مسمومیت کریمه اهل بیت (ع) حاصل این فراغ و درگیری بود و بیماری مانع ادامه راه و آغوش قم التیام بخش درد جسم و فراق برادرش و سر انجام شهادت، او را به پدر رساند و شیعیان را در فراقش داغدار کرد و حرمش شد ملجأ و پناه مظلومان و بی پناهان.

حضرت معصومه:

حضرت فاطمه معصومه (س) از فرزندان امام کاظم (ع) و مادرش نجمه خاتون یکی امام و دیگری تالی امامت است.

حضرت فاطمه معصومه (س) از فرزندان امام کاظم (ع) و شخصیت‌های برجسته‌ی خاندان موسوی است که دو امام را در عصر خویش درک کرده و از رهنمودهای آن بزرگان بهره برده است. با توجه به محدودیتی که شیعیان در عصر موسوی داشتند، تاریخ تشیع در این دوره به صورت کامل تدوین نشده و یا تألیفات و آثار پیشینیان در پی طی حوادث و رویدادها از بین رفته است. چنانکه روایات و احادیث امام کاظم (ع) هم نسبت به ائمه پیش از خود چون امام صادق (ع) رواج نیافته و تنها بخشی از علوم و معارف حضرتش به ما رسیده است. (سید کباری، جغرافیای تاریخی هجرت حضرت معصومه (س)، ۱۳۷۶)

عظمت حضرت معصومه (س): توصیف مستقیم ائمه (ع) نسبت به جایگاه حضرت فاطمه معصومه (ع) روشن‌ترین برهان برای شناسایی مقام معنوی آن حضرت است. اندکی تأمل در شرح حال آن بانوی بزرگوار، راز عظمت و جاودانگی و تفضل و عنایات پروردگار بر ما آشکار میسازد. طهارت و پارسایی آن حضرت، فروغ هدایت و جلوه حسنایی است که زینبده‌ترین نقش انسانی را در نگارستان هستی با نسیم روح بخش معنویت بهشتی هویدا کرده و کویر جامعه بشری را با شمیم دلنواز عشق و معرفت ولایی عطر آگین ساخته است. معصومه آل طه (ع) یاس خوشبوی گلستان ولایت و امامت است؛ بانوی عظیم الشانی که تالی تلو معصوم (ع) و گنجینه بی‌نهایت الهی است و سرزمین قم به زلال قدسی حضورش روح معرفت و حیات طیبه یافته است. روایت شده است که قم جای پای جبرئیل و آن جایی است که آبی جوشیده که هر کس از آن آب بنوشد از بیماری در امان باشد و از آن آب، گلی سرشته شد که با آن شکل پرنده (به دست عیسی مسیح (ع)) ساخته شد. همچنین آمده است که امام علی بن موسی الرضا (ع) از آن چشمه آب خورده و بدان موضع غسل فرموده اند و از همین مکان، قوچ ابراهیم (ع) و عصای موسی و انگشتری نوح بیرون آمده است.

مورخ شهیر عباسقلی خان سپهر در وصف آن حضرت چنین بیان کرده است: ناموس خداوند عالمیان، عابد و زاهده متقیه، عارفه کامله، مستوره مخدره، معصومه فاطمه دختر حضرت امام موسی کاظم (ع) را مقامی عالی و منزلتی متعالی و شانی رفیع و مکانی منیع است که خداوند عطا فرموده است. مزار کثیر الانوارش در مدینه المومنین قم است، و حرم محترمش

ملجأ زائرین و تمام مسلمین و مؤمنین و محل اجابت دعوات، بروز کرامات و خوارق عادات و درگاه بنیانش مسکن عباد و موطن زهاد است. (عبدی، ۱۳۹۳)

تصریح امام رضا (ع) در اثبات جلالت قدر آل حضرت در ابعاد مختلف که در زیارتنامه که در زیارتنامه بدان اشاره شد، بخشی از کمالات علمی و فضایل اخلاقی ایشان را می‌رساند: "فان لك عندالله شأنًا من الشأن" (یوسفی، ۱۳۹۲)

دوران زندگی: دوران زندگی آن حضرت یعنی از سال ۱۷۳ تا ۱۷۹ در کانون گرم خانواده و در محضر پدر بزرگوارش گذشت، ولی پس از آن سال یعنی از سال ۱۷۹ تا ۱۸۳ امام هفتم (ع) در زندان های هارون عباسی به سر برد. (یوسفی، ۱۳۹۲) حضرت فاطمه معصومه (ع) در تحت تربیت پدر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر (ع) و برادر گرامی اش حضرت رضا (ع) به مقام والایی رسید و در پاسخگویی به پرسشهای مراجعین به درجه ای رسید که مطابق نقل ابن العرندس، حضرت موسی بن جعفر به او مدال "فداها ابوها" ارزانی داشت. در ایام محبوس بودن حضرت موسی بن جعفر (ع) در روزگار مسافرت برادرش امام رضا (ع) در دفاع از حریم ولایت و پاسداری از خط امامت آن چندان نقش موثری ایفا نمود که به شفیعه روز محشر و کریمه اهل بیت پیامبر اکرم (ص) اشتهار یافت و در زیارت ماثوره از معصوم جمله "فان لك عندالله شأنًا من الشأن" در حقیقت صادر شد. (میر عظیمی، ۱۳۷۶)

عصر حضرت معصومه (س): دورانی که می‌رفت به شکفتن فاطمه بینجامد، همزمان با امامت امام موسی بن جعفر (ع) بود که در سال ۱۴۸ هجری قمری به امامت رسید و مدت ۳۵ سال به امامت پرداخت. خلفای بنی عباس در این دوران آنچنان عرصه را بر امام و شیعیان تنگ کردند که راویان به هنگام روایت نمی‌توانستند صریحاً از نام حضرت یاد کنند و ناگزیر کنیه های حضرت مانند (ابی ابراهیم و ابی الحسن) یا القاب وی مانند (عبد صالح، عالم و...) را به کار بردند و یا صرفاً به رمز و اشاره مانند «رجل» بسنده میکردند.

تقیه در این ایام شدت یافت و منصور، مهدی، هادی و هارون چنان وضعی پیش آوردند که امام حتی از لحاظ مالی برای اداره زندگی و دخترانش در مضیقه قرار گرفت. هارون آنگاه که حکومت رسید، حضرت را زندانی کرد، گاه حضرت را آزاد میکرد، دوباره زندانی میساخت و همین.

وضع تا مدت چهارده سال ادامه یافت. هارون با رفتار آمیخته به قساوت و سنگدلی چنان رعب و وحشتی به وجود آورد که شیعیان هرگز طعم امنیت را نچشیدند.

در چنین عصری بود که زمان تولد حضرت معصومه (س) فرا میرسید. تا آن روز ۲۵ سال بود که علی ابن موسی الرضا (ع) یگانه فرزند نجمه خاتون بود، او این همه سال را در آرزوی تولد فرزندی دیگر سپری کرده و چشم به راه تولد کودکی بود که امام صادق (ع) بشارت شکفتش را ده ها سال قبل داده بود. (آشوری، ۱۳۷۷)

حضرت امام رضا (ع) پس از شهادت پدر بزرگوارش در سال ۱۸۳ هجری در سن ۳۵ سالگی، عهده دار مقام امامت شد. دوره امامت ایشان بیست سال بود که ده سال نخست آن با خلافت "هارون الرشید"، پنج سال با خلافت "محمد امین" و پنج سال آخر با خلافت "عبدالله المأمون" معاصر بود (سید کباری، هجرت امام رضا به ایران، ۱۳۷۶)

خلفای معاصر حضرت معصومه (س): دولت عباسی از سال ۱۳۲ هـ-ق، با به خلافت رسیدن ابوالعباس سفاح تاسیس شد و تا سال ۶۵۶ هـ-ق، ادامه داشت. خلفای معاصر حضرت معصومه (ع) عبارتند از: هارون الرشید، امین و مامون. (عبدی، ۱۳۹۳)

نمونه ای از ظلم خلفای عباسی: در سال ۱۹۹ هـ-ق سپاه جلودی برای دستگیری محمد بن جعفر بن محمد عازم مدینه شد. جلودی دستور داشت محمد را به قتل برساند و خانه های آل ابوطالب را در مدینه غارت کند. وقتی سپاه او به در خانه ی امام کاظم (ع) رسید، امام رضا (ع) تمام زنان را در یک اتاق جمع کرد و جلوی در خانه ایستاد. جلودی گفت: من ناچار باید داخل خانه شده، لباسهای زنان را بگیرم و غارت کنم. امام (ع) سوگند یاد فرمود که تمامی جامه های زنان را به او بدهد. آن حضرت پیوسته اصرار میکرد و مانع داخل شدن جلودی به خانه میشد. آنگاه امام (ع) تمام لباسها حتی خلخال ها و گوشواره ها و آنچه را که در خانه بود به جلودی داد. یقیناً در این حادثه دردناک یکی از حاضران و شاهدان عینی حضرت فاطمه معصومه (ع) بوده است. این حادثه یادآور هجوم دردناک به در خانه فاطمه زهرا (ع) و تداعی کننده دود و آتش و مسمار و میخ و سینه و پهلوی شکسته و بازوی کبود میشد. (عبدی، ۱۳۹۳)

مقام صابره: زندگی کوتاه حضرت فاطمه معصومه (ع) سرشار از دردها و رنج ها و حوادث اندوهگین است. کمتر بانویی با سن و سال حضرتش تاب و تحمل آن را دارد. از جمله این حوادث عبارتند از:

- ۱- اسارت پدر
- ۲- از دست دادن پدر در ده سالگی (شاهد شهادت پدر بودن)
- ۳- زندگی در غربت مدینه
- ۴- شاهد تبعید شدن و به اسارت بردن برادر
- ۵- هجرت غریبانه به سوی برادر
- ۶- مورد تهاجم قرار گرفتن کاروان و شاهد صحنه برادران و برادر زادگان بودن
- ۷- مسمومیت به دست زن یهودیه
- ۸- هجرت به قم و به سر بردن در غربت و بیماری
- ۹- رحلت و شهادت دور از برادر در غربت
- ۱۰- دست نیافتن به آرزوی دیدار با برادر

آن بانو با همه این شدائد و سختی ها، صبر و شکیبایی پیشه کرد و یقین داشت، هر امری که از ناحیه خداوند متعال صادر میشود و آن چه خداوند بندگان را بدان مبتلا میکند از جمله گرفتاری یا گشایش، بیماری یا شفا و هر چیز مطلوب یا نا مطلوب، بر طبق حکمت و مصلحت الهی صادر می شود. بدین سبب به قضا و قدر الهی خشنود بود و سینه اش جایگاه حکمت های الهی شد. (یوسفی، ۱۳۹۲)

حامی ولایت: آن حضرت مدافع و پشتیبان و حامی ولایت امر امام هشتم (ع) از مدینه راهی مرو شود و در همین مسیر جان مقدس خویش را فدای ولایت و تقدیم امام مفترض الطاعه خویش کرد.

نامه حضرت رضا (ع) به حضرت معصومه (ع): به سال ۲۰۰ هـ-ق امام هشتم (ع) حضرت رضا (ع) از طرف مامون، از مدینه منوره به مرو دعوت و به اقامت اجباری در آنجا ناگزیر گردید. حضرت فاطمه معصومه (ع) یک سال فراق برادر گرامیش ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (ع) را تحمل کرد. (میر عظیمی، ۱۳۷۶)

حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (ع) نامه ای خطاب به خواهر گرامیش حضرت فاطمه معصومه (ه) مرقوم فرمود و آن را توسط یکی از غلامانش به مدینه منوره ارسال فرموده است. امام رضا (ع) به غلام دستور داد که در هیچ منزلی توقف نکند تا در اندک زمان ممکن آن رقیمه را به مدینه طیبه برساند. آنگاه نشانی خانه حضرت موسی بن جعفر (ع) را برای او بیان فرمود تا

از کسی نشانی نپرسد. غلام خود را به مدینه منوره رسانید و نامه امام هشتم (ع) را خدمت حضرت معصومه (ع) تسلیم نمود. حضرت فاطمه معصومه (ع) به مجرد رسیدن نامه برادرش حضرت رضا (ع) خود را آماده سفر نمود. (میر عظیمی، ۱۳۷۶)

مؤلف "قم المقدسه عش التشیع و قیاده الامه" هم معتقد است که امام رضا (ع) نیز حضرت معصومه (س) را بیار دوست داشت و تقدیر احترام ویژه ای برایش قائل بود و به جهت اشتیاقش به خواهر و تعلق خاطرش به وی، نامه ای به وی فرستاد و او را به نزد خود فرا خواند.

درگیری و کارزار کاروان: کاروان آن حضرت راه را منزل به منزل طی کرد تا به شهر ساوه رسید. ماموران حکومتی که پیش از این وضعیت کاروان و مقصد آن با خبر بودند به آنان حمله ور شدند. جنگ سختی در گرفت که در نتیجه ۲۲ نفر از افراد این کاروان به شهادت رسیدند و گروهی متواری شدند و گروهی اسیر گشتند (یوسفی، ۱۳۹۲)

محققانی که به این واقعه (درگیری) اشاره کردند عبارتند از:

۱- سید مرتضی، مؤلف «بحر الأنساب» به خاطر وجود آرامگاه هایی از فرزندان امام هفتم (ع) در شهر ساوه به واقعه حمله حرامیان بنی عباس به کاروان مدینه اشاره میکند.

۲- میرزا محمد خان ملک، مؤلف «ریاض الأنساب» واقعه درگیری و وجود همراهان حضرت را که متشکل از برادران و برادرزادگانش بودند آورده است.

۳- آیت الله سید محمد علی روضاتی در کتاب «جامع الأنساب» نیز به این واقعه اشاره نموده است.

۴- علامه سید جعفر مرتضی، مؤلف کتاب «الحیاه السیاسیه للامام الرضا» بدین واقعه اشاره نمود.

۵- محققانی دیگر نیز به واقعه درگیری و تهاجم اشاره کردند (از جمله): مسند فاطمه معصومه، جغرافیای تاریخی هجرت حضرت معصومه (س)، حیاه الست، خصائص السیده فاطمه المعصومه، حضرت معصومه چشمه ی جوشان کوثر، حضرت معصومه فاطمه دوم، فروغی از کوثر، هجرت کریمه، بارگاه فاطمه معصومه تجلی گاه فاطمه زهرا، کریمه اهل بیت. (یوسفی، ۱۳۹۲)

ورود به قم: هجرت حضرت معصومه و اجلال نزول آن حضرت به قم، نقطه ی عطفی در سیر تکاملی تاریخ مذهبی، فرهنگی این شهر است. طلوع آفتاب وجود او بر افق قم، خاک این سرزمین را نور باران ساخت. از جای جای قدم های مبارکش چشمه های خیر و برکت جوشید و رودی از نور بر این گسترده روان ساخت.

قمی ها، فاطمه معصومه را بسیار خوب میشناختند. او بانوی موعود بود. حضرت امام صادق (ع) سالها پیش از تولدش از او خبر داده بود و قمی ها منتظر زیارت او بودند. از سوی دیگر، حضرت فاطمه معصومه (ع) مردم قم را خوب میشناخت و بارها در خانه امام کاظم (ع) مردم قم و سرزمین قم یاد و تکریم شده بود. (عباسی فردویی) و اینکه آن حضرت سوال نکردند تا ری چقدر فاصله است؟ یا تا خراسان چقدر راه مانده؟ و تیز پس از ورود به قم، وصیت نفرمودند که پس از رحلت، پیکر ایشان را به مدینه یا خراسان یا جای دیگری ببرند، امر اتفاقی نبود، بلکه شواهد زیادی وجود دارد که این امر حساب شده بود و آن حضرت با آگاهی این مسیر را انتخاب کردند. این امر می بایست تحقق پیدا کند تا سخن امامان معصوم (ع) به تحقق برسد. (یوسفی، ۱۳۹۲)

استقبال از حضرت معصومه (س): روز ۲۳ ربیع الاول ۲۰۱ هجری کجاوه حضرت فاطمه معصومه (ع) در میان استقبال پر شور مردم شریف قم به این سرزمین وارد شد، موسی بن خزرج زمام ناچه را شخصاً به دوش می کشید و عده فراوانی پیاده و سواره گرداگرد کجاوه آن حضرت زانو زد، و این افتخار نصیب موسی بن خزرج، بزرگ اشعریان قم گردید که

هفده روز میزبان دختر امام، خواهر امام و عمه امام، شفیعه روز جزاء حضرت فاطمه معصومه (س) می باشد. (میر عظیمی، ۱۳۷۶)

تاریخ وفات: حضرت فاطمه معصومه (س) در سن ۲۸ سالگی در روز چهارشنبه برابر با دهم ربیع الثانی سال ۲۰۱ هجری (برابر با چهارشنبه هجده آبان سال ۱۹۵) در محله سّتیّه قم به شهادت رسید و روح ملکوتی اش به ملکوت اعلیٰ پر کشید. (یوسفی، ۱۳۹۲)

نقل های (اسناد) شهادت آن حضرت: بعضی از نقل اه عنوان شده که حضرت فاطمه معصومه (ع) با دیدن منظره شهادت عده ای از افراد کاروان که چند نفر از برادران و برادرزادگان او نیز بودند، حالش دگرگون و بیمار شده است. اما در بعضی از نقلها چنین آمده که آن حضرت به وسیله زهری که زنی از دشمنان اهل بیت در غذای ایشان ریخته بود مسموم و بیمار شدند.

- ۱- در کتاب الحیاه السیاسه للامام الرضا آمده: «... و اما زعیمه القافله السیده فاطمه بنت موسی فیقال انما هی الاخری قد دس الیها ساوه و لهذا لم تلبث الایاما قلیله و استشهدت.» (و اما سالار کاروان، حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر، یکی از کسانی که در ساوه مسموم شده و به همین جهت چند روزی عمر نکرد و به شهادت رسید.)
- ۲- در کتاب قیام سادات «... حضرت فاطمه بنت حضرت امام موسی کاظم (ع) را در ساوه به دست عمال و مأموران حکومت عباسی مسموم کردند و باحالت بیماری بیماری به قم رفته و در آنجا رحلت نموده است.
- ۳- در کتاب وسیله المعصومیه هم به مسموم نمودن آن حضرت توسط زنی در ساوه و شهادت نقل شده است.
- ۴- کتاب «بحر الأنساب» نیز به شهادت آن حضرت اشاره شد
- ۵- ... در کتاب جغرافیای سرزمین های خلافت شرقی به مسمومیت کریمه اهل بیت، حضرت فاطمه معصومه (ع) اشاره نموده است.
- ۶- در کتاب خصائص السیده فاطمه المعصومه آمده است: السیده فاطمه المعصومه - علیها سلان - قضنت نحیها مسمومه شهیده وفی بلاد غربه.
- ۷- و دیگری نیز به شهادت حضرت معصومه (ع) اشاره نمودند
- ۸- در کتاب حضرت معصومه نیز آمده است: با توجه به نقل برخی از مورخان و قرائتی که در طول مسیر از ساوه تا قم مشهود است که مردان کافران را به شهادت رساندند، حضرت فاطمه معصومه (س) و بانوان به دست عوامل بنی عباس مسموم شدند. در طی مسافت هریک یک از بانوان با تاثیر سم به شهادت رسیدند و در شهرها و روستاهای مسیر حرکت به خاک سپرده شدند. (یوسفی، ۱۳۹۲)

مراسم دفن حضرت فاطمه معصومه (س): هنگامی که قبر فاطمه معصومه دختر موسی بن جعفر (ع) مهیا شد، در مورد این که چه کسی وارد قبر شود به بحث و مشورت پرداختند. پیرمرد پرهیزکاری به نام "قادر" مطرح شد و همه بر او اتفاق نظر داشتند. کسی را به دنبال او فرستادند، پیش از آنکه قادر بیاید دو تن سواره، نقاب به صورت، از جانب ریگزار پیدا شدند به سرعت نزدیک آمدند یکی وارد قبر شد و دیگری جسد پاک و مطهر حضرت معصومه (س) را برداشت و به دست او داد تا در دل خاک نهان سازد. دو نفر پس از پایان مراسم دفن، بدون اینکه با احدی سخن بگویند بر اسب های خود سوار شده و از محل دور شدند. به نظر می رسد که این دو بزرگوار، دو حجت پروردگار حضرت امام رضا و امام جواد (ع) باشند که بر طبق ضوابط باید پیکر معصومه به دست معصوم تجهیز و تدفین شود. (میر عظیمی، ۱۳۷۶)

شعر عربی:

شعر: در عیون اخبار الرضا آمده است مردی شامی از امام رضا (ع) پرسید: اول کسی که شعر گفت چه کسی بود؟ فرمود: آدم گفت: آن شعر چه بود؟ فرمود: وقتی از آسمان به زمین آورده شد و خاک و وسعت و هوای آن را دید و قابیل، هابیل را کشت، آدم گفت:

تغیرت البلاد و من علیها فوجه الارض مغیر قبیح
متغیر شد بلاد و آنان که بر اویند پس روی زمین سیاه و ناخوش است
تغیر کل ذی لون و طعم و قل بشاشه الوجه الملیح
تغییر کرد هر چه طعم و لونی داشت و اندک شد بشاشت روی نیکو

فلولا رحمه الجبار اضحی بکفک من جنان الخلد ریح

اگر رحمت از خدای جبار بارز نمیشد به دست تو از جنات خلد بادی بود (شیخ صدوق، ۱۳۹۳)

شعر در اسلام: دین اسلام، در سرزمینی ظهور کرد، شعر پرور و شاعر خیز؛ قوم عرب در سخن و سخنوری چیره دست بود، در سخن شناسی توانا بود و به شعر و شاعری قدر فراوان می نهاد. شاعرانی که مقارن ظهور اسلام در جزیره العرب میزیستند از اهمیت شایانی بهره مند بودند و در نزد قوم خویش گرانمایه و عزیز روزگار میگذراندند. چون اسلام پیامد این خصلت و این طبع لطیف و ذوق حساس را از آنان نستاند، بلکه آن را بپیراست، جهت بخشید و به تعهد باز آورد. قرآن کریم سخندانان و شاعران پر احساس عرب را شیفته ساخت و دگرگون کرد. در نظام تربیتی اسلام، هر امری و کاری به دو رده تقسیم شده است. یکی آنکه نا پایدار است و فانی و دیگر آنکه پایدار است و باقی. نخستین هر امر غیر خدایی و نا متعهد است که برای خواسته های فردی زودگذر و خواهانی های نفس انجام پذیرد. دوم: هر امر خدایی و متعهد که انسان آن را به پژواک سرشت و زمان تلکیف انجام دهد و با عنصر تعهد و ادبیت بی آمیزد. اینگونه کار و تلاش را ستوده اند و به اجر های جاودان نوید داده اند. و شعری را که حاصل این عنصر باشد و شاعری را که سازنده چنان شعری، بس بزرگ داشته اند. پیامبر اکرم، جامه خویش بر دوش شاعری افکند که چنین شعری سروده بود، شعری در مدح فضیلت و نشر تعهد و گسترش حماسه و اگر مدح او بود به این ملاک بود. این را باید درک کرد و همین گونه بود رفتار دیگر بزرگان دین با شاعران. شعر را می شنیدند و گرمی میداشتند. امام جعفر صادق (ع) در ایام حج که مردم برای عبادت در صحرای منا و عرفات گرد آمده بودند قصاید سیاسی و متعهد کمیت ابن زید اسدی را می شنید و میفرمود تا همه ی مردم را برای شنیدن آن فراخوانند. (حکیمی، ۱۳۶۸)

غنای شعر اسلامی: مرور در گروهی از دیوانهای شاعران شاعران مسلمان، غنای شعر اسلامی را بزودی آشکار میسازد. شعر اسلامی، از نظر لفظ، دید تخیل، تعبیر، احساس، تنوع، ابداع، و دیگر عناصر و عوامل فنی دارای غنای کامل است. شاید کمتر احساسی و دریافتی و تعبیری یافت میشود که شعر اسلامی از آن تهی باشد. با توجه به محیط و زمان و عوامل گوناگون که همه در پدید آمدن هر اثر هنری دخالت تام دارد، میتوانیم سرشاری و غنای آثار شعری مسلمین را حد بالا معرفی کنیم. شاعران اسلامی هر مقوله ای را که سروده اند آن را غنی و سیراب سروده اند. نمیخواهیم بگوییم هر احساسی که در سراسر شعر هندی و چینی یا فرانسوی دیده میشود، همه ی آن احساسها در دیوان شاعران مسلمان دیده میشود. این ادعا را نمیکنیم، بلکه میگوییم شعر اسلامی، چه عربی، چه فارسی چه به زبانهای دیگر در حوزه خویش واحد غنی ترین مایه های شعری بشر است و دارای پر باری ژرفی از احساس و دریافت خاص خویش است. این موضوع، با سرزدن و آگاهی از نمونه های معتبر چندی از آثار شاعران آشکار میگردد و اینکه بسیاری از دیوانهای شاعران مسلمان ترجمه شده است و برخی از درخشنده ترین چهره های شعر و ادبیات جهانی زیر نفوذ این شاعران قرار داشته اند حاکی است از همین حقیقت. (حکیمی، ۱۳۶۸)

سخنانی نغز و زیبا در باره ی شعر:

قال النبی العظیم سیدنا محمد (ص): ان من الشعر لحکمه. البته زبان شعر را حکمتی است شایان

قال الامام امیرالمونین (ع): خیر شعر ماکان مثلاً و خیر الامثال ما کان شعراً. بهترین شعر آن است که ضرب المثل جاری بین مردم باشد و بهترین ضرب المثل ها آن است که در ظرف و قالب شعر باید. (محمدی، ۱۳۹۰)

سرودن و خواندن شعر: در کتاب وسائل به طور مستند روایت گردیده که حضرت امام صادق (ع) فرمود: "هر کس درباره ما یک بیت شعر بگوید خداوند برای او خانه ای در بهشت خواهد ساخت." و در روضه کافی به سند خود از کمیت بن زید اسدی آورده که گفت: بر حضرت ابو جعفر باقر (ع) وارد شدم، آن حضرت به من فرمود: "به خدا قسم ای کمیت اگر مال دنیا نزد ما بود از آن مقداری به تو میدادیم و ولی برای تو است آنچه رسول خدا (ص) به حسان ثابت فرمود: پیوسته روح القدس با تو خواهد بود تا هنگامی که از ما دفاع کنی." (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۱)

رثاء:

تعریف رثاء: رثاء از صادق ترین اعراض شعری به حساب می آید و از جاودانه ترین آثار شعر از جاهلیت تا کنون است، چرا که از دلهای سوخته و عواطف سرشار سرچشمه گرفته است. از یکی از اعراب پرسیدند: چرا رثاء را صادقانه ترین شعر خویش میدانید؟ گفت: زیرا رثاء را از دلهای آتش گرفته میسراییم و کسی که بر فقیدی نوحه می سراید نه به امید اجر و پاداش است - چنانچه مداحان می چینند - که برای تسلی درون و بیان شدت مصیبت مناقب عزیز از دست رفته را می شمارد و بر آن میگیرد. تعریف ناقدان در بیان رثاء نارساست، چرا که برخی فرق بین مدح و رثاء قائل نشده اند. اولی را در ذکر مناقب انسان زنده و دومی را بیان فضائل مرده دانسته اند. در حالی که مطلب بسیار مهمی را نادیده گرفته اند و آن عنصر وفاست که وجه تمایز مدح و رثاء میباشد، علاوه بر جنبه های تحسر، درد، اه و آتشی که از دل مرثیه سرا بر میخیزد. مشخصه عام رثاء را ذکر از دست رفتن محبوب، شماره فضائل او، تن به تقدیر سپردن و در نهایت شکوه از روزگار دانسته اند. برخی از این خصائص در دوره های گوناگون ادب شکوفا گشته یا به ضعف گراییده است. خصائص دیگری نیز در شرایط مساعد و متفاوت از شرایط پیدایش رثاء جوانه زده و به مرور باور گردیده است. جنبه ی غالب در رثای جاهلی، سیادت روح یأس، عدم بازگشت به زندگی و دل کندن از عزیز فقید است، در عصر های بعدی از جنبه ی ناامیدی آن کاسته میشود و رضای به تقدیر

جایگزین آن می شود، در دوره ی معاصر تاکید بر زنده داشت راه و پیروی از مسلک فقید مرسوم میشود. (شفیعی، انوار، و حریرچی، ۱۳۸۵-۱۳۸۶)

انواع رثاء: اول مراثی مذهبی مانند مرثیه هایی که در مصائب اهل بیت سروده شده و بهترین آنها را شعرای عهد صفوی مانند محتشم و صباحی و غیره (در ایران) ساخته اند و در ادبیات عربی: ابودهبیل الجمحی و کمیت و سید حمیری - بعد از واقعه عاشورا سروده اند.

دوم: مرثیه هایی که به مناسبت در گذشت سلاطین و امرا و بزرگان سروده میشود، مانند قصیده فرخی در مرگ محمود قصیده معزی در مرگ ملکشاه و قصیده خاقانی در مرگ امام محمد یحیی و غیره. (در ادبیات فارسی) و مرثیه متنبی در مرگ مادر سیف الدوله (در ادبیات عربی)

سوم: مراثی خصوصی که هر شاعر در مرگ بستگان و نزدیکان و دوستان خود سروده است. مانند رثاء فردوسی در مرگ فرزند خویش و رثاء سعدی در ماتم پسرش و غیره. (و در ادبیات عربی رثاء خنساء در مرگ برادرانش صخر و معاویه) (محمدی، ۱۳۹۰)

تحلیل اشعار رثاء فاطمه معصومه (ع): بیشترین میراث ادبی ما مفقود شده و مورد سهل انگاری واقع شده و دست جهل و تعصب و تحجر گرایی در دوره های اموی و بعد از آن روی این چنین اشعار نابی پرده کشیده و آنها را از مردم پوشاند. کافی است ما از تاریخ سوال کنیم: چرا بیشترین اشعار ابراهیم بن العباس الصولی در اوائل دوره ی بنی عباس مفقود شد؟ و چرا تمام اشعار وی که در بر دارنده ی مدح و ثنای اهل البیت (ع) بود جمع شد و سوزانده شد؟! و چرا قصیده دویست بیتی او که آن را در مقابل حضرت امام علی بن موسی الرضا سروده بوده گم شد و مردم چیزی جز مطلع آن قصیده را نتوانستند حفظ کنند که ما در مطلع آن میخوانیم:

أزال عزاء القلب بعد التجلد مصارع أبناء النبي محمد

یعنی: کشته ها و اجساد به زمین فرزندان بی گناه پیامبر بزرگ محمد (ص) در کربلا پس از تحمل درد و رنج و صبر و شکیبایی تلخ و سوز و گداز قلبی، طاقت و توان ما را از میان برد.

و از تاریخ باید پرسید: چرا در زمان هارون الرشید قبر المنصور النمری نبش میشود؟ زیرا اشعار زیر را سروده بود؟

آل النبي و من یحبهم یتطامونون مخافه القتل

آمنوا انصاری و الیهودو هم من امه التوحید فی ازل

یعنی: خاندان پیامبر مکرم (ص) هرکس که به آنان عشق می ورزد از خوف کشته شدن آرامش می یابند.

حتی پیروان دین مسیح و یهود، به پیامبر اسلام ایمان آوردند در حالیکه ایشان از ابتدا و از ازل جزء امت توحید بشمارند (شگفتا که قوم عرب با اینکه تعصب عربی داشتند فرزندان پیامبر عربی خود را کشتند!) (محمدی، ۱۳۹۰)

جملات فوق، نظر مؤلف کتاب تجلی نهضت حسینی در شعر عربی است که در خصوص کریمه اهل بیت (ع) نیز صدق میکند. با وجود عظمت و کرامت این شخصیت ادبیات عرب سهم کمی از سروده های ویژه ایشان را نصیب خود کرده است.

صاحب ناصر - سعید الباقر :

آه لفاطمه قدشدی کلمی آه الغریب و ما بالاه من ظلمی (حقگو، ۱۳۸۴)

اشاره به غربت فاطمه معصومه(س) و ظلمهایی که بر وی رفته دارد. اوج واقعی این غربت، هنگامی بر اذهان متبادر میشود که بدانیم او در فراغ برادر جان سپرده است. (یوسفی، ۱۳۹۲)

هذا البكاء للعترة الأحرار حبا لآل المصطفى الأبرار (حقگو، ۱۳۸۴)

اشاره به این نکته میکند که گریه کردن بر عترت پیامبر به خاطر حبی است که شیعیان نسبت به خاندان ایشان دارند و مصائب وارده بر آنها قلب آنها را به درد می آورد و از چشمانشان اشک ماتم سرازیر میشود.

شیخ محمد محسن النجفی:

ذکری ورود الجاره الجلیله	فاطمه المعصومه النبيله
لقم يوم الثالث والعشرين	من الربيع الاول البلد زين
بطلعه شمس محياها الغر	قره عين آل يس الغرور
بورکتوما یا اهل قم فيها	صلو عليها و علی ذویها
تلک التي قد حوت المناقت	حیاتها قرینه المصائب
تیتمت اذ فقدت ابوها	روحی فداها و هی فی صباها
قام برعیا شقیقها الرضا	امامنا الثامن راض بالقضا
حتى اذا فارقهما ماض الی	مرو خراسان علیها حملا
طال علی السیده الفراق	هام بها الوجد و الاشتیاق
فغادرت موطنها المدینه	و هی مع اخوه لها حزینه
جائت الی ایران ضمن قافله	و أعین الأعدا غیر قافله
فحا صر تهیم تلکم الأندال	اعقبها هناک الاقتتال
فاستشهدت اخوتها فی ساوه	بعد دفاع بالغ الضراوه
و ما أتت أنباؤها القمییت	شیعه آل البيت الأشعریین
حتى انبروا بها الی هذا البلد	مکرمه و هی بغایه الکمد
و أنزلت بیتا بخیر الدور	و يعرف الیوم بیت النور

(تاج الدین، ۱۴۳۶ هـ-ق)

شاعر در ابیات فوق به موارد زیر اشاره میکند :

۱- تاریخ ورود حضرت معصومه (س) به قم در ۲۳ ربیع الاول

۲- تبریک به اهل قم به خاطر ورود آن حضرت به آنجا

۳- علی رغم داشتن مناقب همراه بودن مصائب با زندگی ایشان

- ۴- از دست دادن پدر در کودکی (در سن ۱۰ سالگی) (سید کباری، جغرافیای تاریخی هجرت حضرت معصومه (س)، ۱۳۷۶)
- ۵- سرپرستی وی توسط امام رضا بعد از شهادت پدرش
- ۶- فراق برادر و تبعید امام رضا به خراسان
- ۷- ترک مدینه با دلی محزون
- ۸- دشمنان در کمین قافله ی او بودند
- ۹- محاصره کاروان توسط دشمنان
- ۱۰- جنگ و خونریزی در کاروان
- ۱۱- شهادت برادران
- ۱۲- همدردی قمی ها با ایشان
- ۱۳- سکونت در بیت النور
- ۱۴- داشتن عمر کوتاه همچون مادرش حضرت زهرا(س)
- ۱۵- عزا و ماتم در قم پس از رحلت ایشان

شیخ جمعه الحاوی البحرانی:

رِيحُ الخُطُوبِ على العَالِمِ
 وَقَدْ هَيَّجَتْ في القُلُوبِ الشَّجَا
 وَتَرْمِي النُّفُوسَ بِجَمْرَاتِهَا
 وَقَدْ أَصْبَحَتْ جُمْلَةُ الكَائِنَاتِ
 على عُشِّ آلِ بنِي المِصْطَفَى
 فَجَمْرُ الفَجِيعَةِ في مَوْنِهَا
 قَصَّتْ وَهِيَ لَمْ تَلْتَقِ بِالرِّضَا
 فَعَنَهُ بَعِيداً على حَسْرَةٍ
 ففِي أرضٍ قُمٌّ قَصَّتْ وَهُوَ في
 وَيسُونَ قُمٌّ لَهَا أُعُولتْ
 وَتَنْدُبُهَا صَارِخَاتٌ وَفِي
 بَكَتُهَا المَلَائِكُ في فَجَعَةٍ
 لَقَدْ نَصَبتْ في السَّمَاءِ مَاتِماً
 ففِيهِ النِّيَاحُ على فَقْدِهَا
 يَبْتُونُ بِالْحَزَنِ شَكْوَى لَهَا
 يَقُولُونَ في قُمٍّ بِنْتٌ لَكُمْ
 فَيَا عَيْنُ سَحَى عَلَيْهَا الدُّمُوعُ
 فَإِنْ لَمْ تُجِيبِي إلى مَطْلَبِي
 وَلَمَّا قَصَّتْ فَاطِمَةُ نَحْبَهَا
 قَرَّارُ الوَرَى عَزَّ في مِحْنَةٍ
 فَطُوبَى لِأَرْضِ حَوْتِ جِسْمِهَا
 جَنَازَتُهَا بِالْأَسَى مُدَّ سَرَّتْ

تَهَبُ لِمَوْتِ ابْنَةِ الكَاطِمِ
 عَلَيْهَا بِدَمْعِ الأَسَى السَّاجِمِ
 عَلَيْهَا ابْنَةُ الطَّاهِرِ العَالِمِ
 تَفِيضُ دُمُوعاً على فَاطِمِ
 وَأَخْتِ الإِمَامِ الرِّضَا الفَاهِمِ
 يَقْطَعُ في القَلْبِ كَالصَّارِمِ
 أُخِيهَا حَبِيبِ بنِي هَاشِمِ
 تَمُوتُ بِقَلْبٍ لَهُ هَاشِمِ
 خُرَّاسَانَ يَقْضِي مِنَ الظَّالِمِ
 كَدَمْعِ كَبْحَرٍ لَهَا لِاطِمِ
 ضَمَائِرُهَا لَسَعَةُ الشَّائِمِ
 بِأَمْرِ المَهْمِيمِ وَالْحَاكِمِ
 لِيَبْقَى العَزَى لَهَا في المَاتِمِ
 يُعَزُّونَ طَهَّ أبا القَاسِمِ
 وَلِلَّالِ وَالصَّاحِبِ القَائِمِ
 تَمُوتُ بِهِمْ بِبِلا رَاحِمِ
 بِقَلْبِ المُوَيْدِ وَالنَّادِمِ
 ففِيكَ الجَفَاءِ إلى الهَاشِمِ
 على جَمْرَةِ الحَاسِدِ الأِيمِ
 وَمِنْ جَمْرَةِ الخَطْبِ كَالهَاشِمِ
 وَطُوبَى لِزَائِرِهَا القَادِمِ
 بِجَحَّتِهَا لِلثَّرَى النَّاعِمِ

صَجِيحٌ تَعَالَى كَمِثْلِ الْحَجِيحِ
وَقَدْ حَطَّتِ النَّاسُ مِنْ دَمْعِهَا
لَقَدْ أُوصِلُوهَا إِلَى رَوْضَةٍ
إِذَا حُتَّتِ لِلْقَبْرِ فِي حَشَعَةٍ
قَضَتْ عُمْرَهَا وَهِيَ مَظْلُومَةٌ
سَلَامٌ عَلَى رُوحِهَا دَائِمًا
(حاوی، ۱۳۸۵)

يَضِجُونَ لِلْحَالِقِ الدَّائِمِ
عَلَى الْأَرْضِ نَوْحَ بَنِي آدَمِ
وَفِيهَا النَّجَاةُ إِلَى الْأَلَامِ
فَهَلْ دَمْعَةُ الْفَاقِدِ الْحَائِمِ
سَلِيلَةٌ كَاطْمِينَا الْحَازِمِ
بِلا عَتَبٍ فَرْدٍ وَلَا لَائِمِ

نکته ها :

- ۱- رحلت حضرت معصومه (س)
 - ۲- جاری شدن اشک ها در مصیبت ایشان
 - ۳- عزادار شدن همه ی کائنات در رحلت ایشان
 - ۴- مصیبت وی به شمشیری تشبیه شده که قلب را تکه تکه میکند
 - ۵- جان سپردن در فراق برادر
 - ۶- شهادت در شهر قم درحالی که برادرش در خراسان در ظلم بود
 - ۷- عزاداری زنان قم برای ایشان
 - ۸- گریه ی ملائک در مصیبت شهادت ایشان
 - ۹- برپایی مجلس عزا در آسمان
 - ۱۰- تسلیت به پیامبر به خاطر شهادت ایشان
 - ۱۱- شکایت به پیامبر از مصیبت هایی که بر ایشان رفته
 - ۱۲- گریه نکردن بر ایشان جفاست
 - ۱۳- غبطه بر زمینی که جسم او را در بر گرفته
- شیخ محمد سعید المنصوری :

لَهْفَ نَفْسِي لِبَيْتِ مُوسَى سَقَاها
فَارَقْتِ وَالِدًا شَفِيقًا عَطُوفًا
أَوْدَعْتَهُ فَعَرَ السُّجُونِ أَناسٌ
وإِلَى أَنْ قَضَى سَمِيمًا فَرَأَحَتْ
وَأَتَى بَعْدَهُ فِرَاقُ أُخِيها
كُلُّ يَوْمٍ يَمُرُّ كَأَنَّ عَلِيها
أَقْبَلَتْ تَقَطَّعَ الطَّرِيقَ اشْتِياقًا
ثُمَّ لَمَّا بِها الظَّمِينَةُ وَافَتْ
لَهَا بِحُسْنِ صَنِيعٍ قَامَ مُوسَى
نَزَلَتْ بَيْتَهُ فَقَامَ بِمَا إِسْدُ
مَا مَضَتْ غَيْرُ بُرْهَةٍ مِنْ زَمَانِ

الدَّهْرُ كَأَسَا فَرَأَدَ مِنْهُ بِلَاها
حَارَبَتْ غَيْبُها عَلَيْهِ كَرَاها
أُنْكَرَتْ رَبُّها الَّذِي قَدْ بَرَاها
تُكَلِّلُ النَّاسَ فِي شَدِيدِ بُكَاهَا
حِينَ فِي مَرُوءِ اسْكَنْتَهُ عَدَاهَا
مِثْلَ غَامٍ فَأَسْرَعَتْ فِي سَرَاهَا
لِأُخِيها الرِّضَا وَحَامِي حِمَاهَا
أَرْضَ قَمٍّ وَذَاكَ كَانَ مَنَاهَا
إِذْ وَلَاءُ الرِّضَا أُخِيها وَلَاهَا
حَطَّاعٌ مِنْ خِدْمَةِ لَهَا أَسْدَاهَا
فَأَغْتَرَاهَا مِنَ الْأَسَى مَا اغْتَرَاهَا

جِسْمٌ مِنْهَا وَتَقْلُهُ أَضْنَاهَا
بَعْدَ مَا قَطَعَ الْفِرَاقُ حَشَاهَا
مَا رَأَتْ وَالِدَ الْجَوَادِ أَخَاهَا

وَالِي جَنْبِهِ سَقَامٌ أَذَابَ الـ
فَقَضَتْ نَحْبَهَا غَرِيبَةً دَارٍ
أَطْبَقَتْ جَفْنَهَا إِلَى الْمَوْتِ لَكِنْ (محمد بیگی، ۱۳۸۴)

نکته ها :

- ۱- فراق پدر
- ۲- زندانی شدن پدر توسط مردم
- ۳- مسموم شدن و شهادت پدر
- ۴- فراق برادر
- ۵- طولانی شدن روزها در ایام دوری از برادر
- ۶- مهاجرت به ایران برای دیدار برادر
- ۷- گرفتار شدن به مصائب
- ۸- بیماری
- ۹- رحلت غریبانه و نرسیدن به وصال برادر

استاد معروف عبدالمجید محمد:

جَرَحُ الْأَحْبَبِ فَاعْرِ مَا التَّمَا
نَارُ الصَّبَابَةِ لَا تَحْرَقُ عَاشِقًا
أَنَا طَائِرٌ فَوْقَ الْجِبَالِ مُقَسَّمٌ
لَمْ يَمْضِ عَصْرُ الْمُعْجَزَاتِ فَعَاوِدِي
بَعَثِي وَنَشْرِي مِنْ يَدَيْكَ وَجَنْتِي
رَكِبَ الْفَوَاطِيمِ مَا يَزَالُ مُسَافِرًا
يَمْضِي فَلَا الْآيَامُ تَقْطَعُ سَيْرَهُ
وَعَلَيْهِ مِنَ الْأَلْقِ النَّبُوَّةِ مَسْحَةٌ
وَمِنَ الْحُسَيْنِ بَقِيَّةٌ لِدِمَائِهِ
يَا أَيُّهَا الْحَادِي حِدَاؤُكَ هَدَيْتِي
عَرَّجَ عَلَيَّ قُمْ فَإِنَّ لَنَا بِهَا
شَهْدَ الْحَوَادِثِ مُنْذُ أَوَّلِ عَهْدِهِ
ظَهَرَتْ بِهِ لِلْعَالَمِينَ خَوَارِقُ
حُطُّوا الرَّحَالَ فَإِنَّ لِلنَّوَى بِهِ
يَا قَبْرَ فَاطِمَةَ بِقَمِّ تَحِيَّةٌ
طَابَ الضَّرِيحُ وَضَاعَ مِنْ شُبَاكِهِ
وَاصْطَفَتْ الْأَمْلاكَ فِي ظِلِّ الْجَمَى
وَأَتَى الْحَجِيحُ مِنَ الْفِجَاجِ فَوَافِلًا
حَرَمَ آتَاهُ الْخَائِفُونَ فَأَبْدَلُوا
عُشَّ لَيْلٍ مُحَمَّدٍ يَهْفُو لَهُ

يَفْرَى وَلَا نَدْرَى لَهُ إِيْلَامَا
وَتَكُونُ بَرْدًا فَوْقَهُ وَسَلَامَا
إِرْبًا فَمَنْ ذَا يَجْمَعُ الْأَقْسَامَا؟
عَهْدَ الْوِصَالِ وَجَدَدِي الْآيَامَا
غَيْنَاكِ طَابَا لِلْمُحِبِّ مَقَامَا
مَرُّوْا يُرِيدُ وَرَوْضَةً وَإِمَامَا
وَيَزِيدُهُ طُولُ النَّوَى إِفْدَامَا
أَضْفَتَ عَلَيْهِ الْمَجْدُ وَالْإِعْظَامَا
صَبَعَتْ بِحُمْرَةٍ لَوْنُهَا الْأَعْلَامَا
لَمَّا ذَكَرْتَ الْأَهْلَ وَالْأَرْحَامَا
قَبْرًا عَلَى كُلِّ الْقُبُورِ تَسَامَا
وَمِنَ الْحَوَادِثِ مَا يَكُونُ جِسَامَا
تَسْبِي الْعُقُولِ وَتَنْدَهِيهِشُ الْأَفْهَامَا
عَهْدًا يُصَانُ وَحُرْمَةً وَذِمَامَا
مِنْ مُدْنَفٍ يَا قَبْرَهَا وَسَلَامَا
أَرْجُ النَّبُوَّةَ يَغْمُرُ الْآكَامَا
زُمْرًا تَسْبِحُ سَجْدًا وَقِيَامَا
تَسْعَى إِلَيْهِ وَقَدْ نَوَتْ إِخْرَامَا
أَمْنَا وَنَالَ الطَّالِبُونَ مَرَامَا
أَهْلُ الْوِدَادِ مَحَبَّةً وَعَرَامَا

يَا بِنْتَ مُوسَى وَالْمِنَاقِبُ جَمَّةٌ لَا يَسْتَطِيعُ بِهَا الْوَرَى إِلْمَامَا
أَخْتِ الرِّضَا إِنِّي أَتَيْتُكَ نَاشِرًا صُحْفًا تَفِيضُ خَطِيئَةً وَأَتَامَا
يَا عَمَّةَ الْجَوَادِ كَفَّكَ وَالنَّدَى وَأَنَا بِبَابِكَ أَسْأَلُ الْإِنْعَامَا
أَنَا زَائِرٌ يَرْجُو الشَّفَاعَةَ فَاشْفَعِي لِي فِي الْجِنَانِ فَقَدْ فَصَدْتُ كِرَامَا

(الحسيني، ۱۴۳۲هـ-ق)

نکته ها :

۱: هجرت حضرت معصومه (س) به قم به قصد دیدار برادر

۲: شاهد حوادث مصیبت بار در زندگی

ابراهیم غلوم:

حتی قضا کما به (قم) لیتنی من دونها روحی یحین خروجها

و لفقدها بکت العیون بحسره فعلا علی بنت النبی ضجیجها

(تاج الدین، ۱۴۳۶ هـ-ق)

رحلت در قم همراه با درد و رنج و جاری شدن اشکها در فقدانش و بلند شدن فریاد در فراغش

آیت الله محمد جواد شیرازی :

حتی م تجفو رسول الله فی ابنته ألم تکن لرسول الله من رحم

(محمد بیگی، ۱۳۸۴)

اشاره دارد به جفاهایی که بر خاندان پیامبر شده و سوال میکند : که تاکی ادامه دارد؟

روش تحقیق : کتابخانه ای

بحث و نتیجه گیری : بررسی در ادبیات عرب به خصوص متون نظم ما را به این نکته رهنمون میکند که شخصیت فاطمه معصومه یا مورد غفلت ادبا قرار گرفته و یا اگر متونی بوده به سرنوشت اکثر متون شیعی دچار شده و دسترسی به آنها میسر نمیشد.

پیشنهاد : ایجاد زمینه برای تحقیق بیشتر در متون مکتوب در خصوص شخصیت کریمه اهل بیت (س)

- ۲- معرفی ایشان و کرامتهایشان از طریق ابزار های نوین فرهنگی
الحسینی، م. س. (۱۴۳۲). ه-ق. (کریمه اهل البیت فاطمه المعصومه بنت الکاظم ع). (جمعیه المعارف الاسلامیه الثقافیه. آشوری، ا، ۱۳۷۷). خرداد. (پاکیزه گوهر صدف اعتبار قم. ماهنامه کوثر.
تاج الدین، م. (۱۴۳۶). ه-ق. (المجالس المعصومیه عن حیاة السیده فاطمه بنت موسی بن جعفر ع). (کربلاء المقدسه.

منابع :

۱. حاوی، س. (۱۳۸۵). دیوان دم الشهاده. قم: دارالانصار.
۲. حقیگو، م. (۱۳۸۴). ستایشگران کوثر قم. قم: زائر آستان مقدسه قم.
۳. حکیمی، م. (۱۳۶۸). دانش مسلمین. تهران: دفتر نشر اسلامی.
۴. سودانی، ف. (۱۳۸۴). قم المقدسه عش التشیع و قیاده الامه. قم: زائر آستان مقدسه.
۵. سید کباری، س. (۱۳۷۶). فروردین. (جغرافیای تاریخی هجرت حضرت معصومه. ماهنامه کوثر.
۶. سید کباری، س. (۱۳۷۶، تیر). هجرت امام رضا به ایران. ماهنامه کوثر، سال اول.
۷. شفیعی، م.، انوار، س.، و حریرچی، ف. (۱۳۸۵-۱۳۸۶). امام رضا (ع) در شعر عربی. تهران.
۸. شیخ صدوق، م. (۱۳۹۳). عیون اخبار الرضا (ع). (م. روغنی قزوینی، مترجم) قم: مسجد مقدس جمکران.
۹. عباسی فردویی، غ. (n.d.). پرتوی از جلالت عظمت فاطمه معصومه. آستان مقدس فاطمه معصومه.
۱۰. عبدی، ع. (۱۳۹۳). در عصمت، نگاهی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه. قم: زائر آستان قدس.
۱۱. محمد بیگی، م. (۱۳۸۴). مشک فشان: اشعار علما و بزرگان درباره حضرت فاطمه معصومه. قم: زائر آستان مقدسه قم.
۱۲. محمدی، م. (۱۳۹۰). تجلی نهضت حسینی در شعر عربی.
۱۳. موسوی اصفهانی، س. (۱۳۸۱). مکیال المکارم (در فوائد دعا برای حضرت قائم، حائری قزوینی (Trans.، قم: ایران نگین.
۱۴. میر عظیمی، س. (۱۳۷۶). بارگاه فاطمه معصومه (ع) (تجلیگاه فاطمه زهرا. قم: نهضت.
۱۵. یوسفی، ی. (۱۳۹۲). شهید غربت. قم: زائر آستان مقدس.